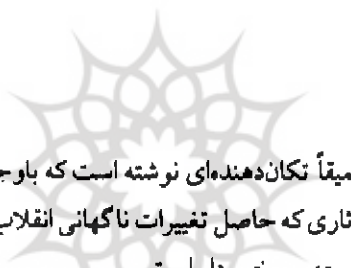


# ثریا در اغما

از: سردبیر نشریه «ایمکوایری»  
ترجمه: صفدر تقی‌زاده

نقدی بر ترجمه کتاب «ثریا در اغما» به زبان انگلیسی



اسماعیل فصیح رمان عمیقاً نکان‌دهنده‌ای نوشته است که با وجود مقدمه نامناسب ناشر، [انتشارات زد] همچون سایر آثاری که حاصل تغییرات ناگهانی انقلاب ایران در پنج ساله اخیر بوده است از تأثیر و اهمیت شایان توجهی برخوردار است.

جلال آریان، کارمند شرکت ملی نفت ایران در آبادان، به پاریس سفر می‌کند تا خواهرزاده‌اش ثریا را که هنگام بازگشت از خانه دوستی با دو چرخه در اثر لیز بودن جاده سُر می‌خورد و به حال اغما می‌افتد ببیند. ایران درگیر و دار جنگ خونین و وحشتناکی است. نیروهای عراقی که در حال پیشروی هستند، آبادان را به محاصره خود در آورده‌اند و هدفهای نظامی و غیرنظامی را بیرحمانه بمباران می‌کنند. شهری که زمانی زیبا بود اکنون به دوزخی تبدیل شده است. جنگنده‌های عراقی خیابانها را با خاک یکسان کرده‌اند و توپخانه سنگین، حومه شهر را هدف توپهای خود قرار داده است. مدافعین ایران از رزمندگانی تشکیل شده است که عمدتاً ترکیبی از مستضعفان ژنده‌پوش و ایده‌آلیستهای انقلابی بسیار جوان‌اند. راوی، بی هیچ‌گونه اظهار نظری، تراژدیها و قهرمانیهای آنان را مشاهده می‌کند. شغل راوی ضبط وقایع و ایجاد ارتباط است.

جلال آریان از آبادان به تهران و سپس به مرز ترکیه می‌رود. به‌هنگام سفر با اتوبوس، افراد زیادی را که در حال فرار از کشور هستند می‌بیند. وهاب سهیلی، زرتشتی خوش‌مشری است که جملات اهورامزدا ورد زبانش است اما می‌کوشد دارایی ناچیزش را به صورت قساقاق از کشور خارج کند و نقشه می‌کشد تا از ایالات متحده آمریکا پناهندگی سیاسی بگیرد، اگر البته اجازه ورود به

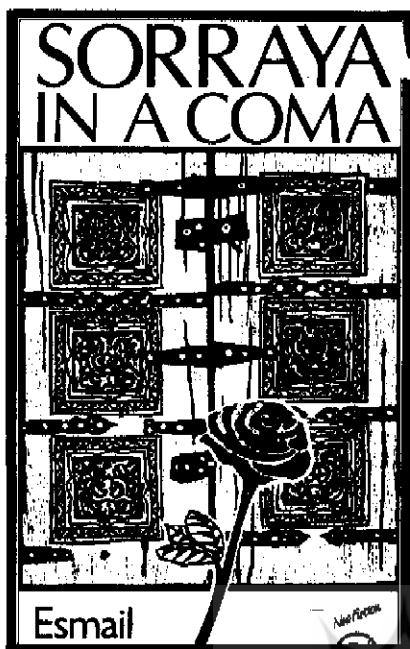
## اسماعیل فصیح ثریا دراغما



او بدهند. و نیز خانم کیومرث پور، با دکترای میکروبیولوژی که امیدوار است به پاریس برود و به شوهرش که اکنون مقیم پاریس است بپیوندد.

در مرز کشور، مأمورین ترک چون ایرانیهای خستگی ناپذیر، از خود نرمشی نشان نمی دهند. مسافری اتوبوس منتظر می ماند تا مأمورین ترک ناهار طولانی خود را به پایان برسانند. در استانبول، با کمک آن زرتشتی مهربان، اما نه شیاد و حقه باز، جلال آریان به پاریس پرواز می کند و یک راست به بیمارستانی که ثریا در آنجا بستری است می رود. بیماری ثریا روز به روز وخیم تر می شود، هرچند به جلال آریان گفته اند که هنوز امیدی باقی است.

همچنان که روزهای انتظار از هفته ها هم درمی گذرد، وضع ثریا روبه وخامت می گذارد و جلال آریان بناگزیر به دنیای تیره و تار روشنفکران ایرانی در غربت راه می یابد. او، «پارسی» را می بیند که زمانی نویسنده و فیلمساز موفقی بوده و اکنون میخواره ای بیش نیست. آریان همچنین لیلا آزاده را می بیند، معشوقه سالهای پیشین خود. لیلا نیز نویسنده است و خانواده اش مدتها پیش از شروع ناگهانی انقلاب، به فرانسه نقل مکان کرده اند. آریان طی گذشت مراحل با استفاده از شگرد بازگشت به گذشته، از حال و هوای منطقه جنگی که با اوضاع و احوال مبتذل پارسیهای مهاجر در تضاد است، همزمان در این دو دنیای متفاوت بسر می برد. وضع ثریا که در اغمای عمیقی فرو رفته مجبورش می کند که در پاریس بماند، ناراحتی قلبی و نیازی که به مداوای دائم دارد، نیز واهی داردش که به رغم میل باطنی اش از شرکت در زیاده روی منحط زندگی خارج از کشور اجتناب ورزد.



## THIRD WORLD QUARTERLY

Panama: current political instability

David R. Mervin

Mexico's challenges

Alan Garcia's Government

The Status: a contemporary Iranian writer

Women in South Asian politics

Ahmed I. Samatar

Somalia impasse

Post-Numeiri Sudan

AIDS in Kenya

West Indian literature

در مقدمه کتاب، همهٔ شخصیت‌های رمان به استثناء خود راوی به عنوان یک «الگو» یا «تیپ» یا «کاریکاتور» توصیف شده‌اند. این استنباط البته بر اثر عدم درک درست اسماعیل فصیح حاصل شده است همچنین می‌توان پا را فراتر گذاشت و گفت این استنباط حاصل عدم درک درست ماهیت داستان مدرن است. بیشتر رمانها اصلاً به مقدمه نیاز ندارند. چنین مقدمهٔ سستی هم درخور این کتاب نیست. شخصیت‌های این کتاب دارای چنان یکپارچگی و استحکامی هستند که می‌توانند نقش خود را در تمامی ماجراهای داستان حفظ کنند و در خدمت اهداف نویسنده قرار گیرند. این حقیقت که بسیاری از شخصیت‌های کتاب مشخص کننده شرایط یا «الگو»ی چیزی هستند، خود البته امتیازی است و این رمان در این زمینه با توفیق کامل همراه است چنانکه همهٔ رمانهای خوب باید این‌گونه باشند و دیگر لزومی ندارد که خواننده را با چنین کلیاتی سرگرم کرد.

یک جنبهٔ اصلی رمان، توانایی فصیح در آفریدن تصویرها و ایمازهای دقیق و بی‌نهایت زنده است. شاید خود ثریا، غنی‌ترین این ایمازها باشد. عبارت محدود و مشخص مقدمه که «او (ثریا) ایماز خود ایران است» مضحک بنظر می‌رسد. ثریا، ایماز ایران نیست، او ایماز افرادی است که در غربت بسر می‌برند، ایمازی از شرایط خود جلال آریان، یا اصلاً ایماز دختری در حال اغما است. بعضی از ایمازهای این رمان دقت و باریک‌بینی یک عکس دقیق دوربین عکاسی یا یک «شات» سینمایی را دارند. تصویر دهاتی پیری که کنار یک جاده خاکی چمباتمه زده و سرش را در دستهایش گرفته و وانت بارش چپه شده و هفتاد هشتاد کیلو پیاز روی زمین ولو شده است، یا تصویر ترمینال

پرزدهام تهران، همه ایماژهایی هستند که نقش سجاوندی بندهای گوناگون این فصل کتاب را دارند و آن را به فصل‌های بعدی کتاب زنجیروار پیوند می‌زنند، همانگونه که راوی در پاره‌ای لحظات سخت، به هنگام اقامت موقتش در پاریس، آنها را به یاد می‌آورد.

ایماژهای این رمان دست کم در دو سطح جداگانه به کار گرفته شده‌اند. نخستین ایماژ، همان ایماژ پیشرفته ملموس و واقعی است که پیشتر درباره‌اش صحبت کردیم، ابزار تصویری و روایتی یا کیفیت پیوند زنجیره‌ای. اما در سطح دیگر و برویهم پیچیده‌تر از آن سطح دیگر، دریافت ما از وقایع داستان از طریق ایماژهای اصلی است، یعنی از طریق معانی متفاوت و متغیری که در وضعیت درحال اغمای ثریا و حالت انسان دوستانه راوی وجود دارد. جلال آریان نیز خود چیزی کمتر از ثریای در حال اغماء، ایماژ ایران و روشنفکرهای بیگانه شده نیست. در این حالت، جلال آریان از هیچیک از دیگر شخصیت‌های رمان چیزی بیشتر و یا کم‌تر ندارد. زاویه دید داستان اول شخص است و دانش ما نسبت به وقایع صرفاً براساس آن چیزهایی است که جلال آریان به بیان آنها بها می‌دهد. دنیای درون او، دنیای بیرونی رمان است. دنیای او آن حالت هوشیاری است که ثریا انکارش می‌کند. وضعیت ثریا، وضعیتی است که دنیای آریان هم به آسانی به آن تبدیل می‌شود، بویژه اگر دچار یکی دیگر از آن حملات قلبی شود. ایرانیهای مهاجر که در همه جا خود را تحمل می‌کنند و دائماً در این اندیشه بسر می‌برند که اگر روزی جرأت کنند به وطن خویش بازگردند با چه خطراتی مواجه خواهند بود، اکنون زندگی خود را به میخوارگی و زنبارگی و بحث و جدلهای بیحاصل می‌گذرانند. عقاید سیاسی یا ادبی‌شان هر چه باشد، فرعی و دست دوم است و بیشترشان هم پوچ و تو خالی است. فضل فروشیهای مضحک‌شان با نقل قول از کتابهای کلاسیک همراه کردار و رفتاری خودخواهانه تظاهر می‌کند. این روشنفکرها دنیای کوچک و حقیرشان را همه عالم می‌پندارند. در همان حال خانم سیمین برزگر خودش را با عطر خوشبو سرگرم می‌کند، جلال آریان «خواهرهای چادری را که شلوارهای بلوچین بپا دارند و مسلح به یوزی در آبادان خدمت می‌کنند، به یاد می‌آورد. اما مشاهدات او یک سو به نیست. او دستگیری لاله احمدی را توسط مامورین حکومتی به خاطر پنخش اعلامیه‌های غیرقانونی و بازداشت و زندان بی محاکمه به مدت هفت ماه یادآور می‌شود. طی این مدت لاله بچه‌اش را سقط می‌کند و شوهرش نیز دست به خودکشی می‌زند.

بهای جنگ ایران و عراق در این کتاب به صورت نوعی ناسامانی و اغتشاش به تصویر کشیده شده است. با این همه به رغم این مسأله، دل‌سوزترین شخصیتی که در این رمان به تصویر کشیده شده، قاسم یزدانی است که با وجود این که ثریا را خوب نمی‌شناسد و به دلیل فقر مالی، حتی شکم خود را نمی‌تواند سیر کند، هر روز دسته گلی تازه به بیمارستان می‌برد به امید اینکه این عمل او ثریا را زنده نگاهدارد. حضور او در رمان چون نفسی هوای تازه در یک بار مشروبفروشی ناخوشایند است. حضور او و دنیای او، ترکیب ارزشهای اسلامی با دانش علمی غربی است. با اینهمه با وجود مهربانی و صمیمیت‌اش اندکی ملال‌آور به نظر می‌رسد اما نیکی همیشه خدا اثر خود را باقی می‌گذارد.

در بزنگاه رمان، تمامی رشته‌ها و شبکه‌های مختلف ماجرا به هم می‌پیوندند و تأثیری کوبنده برجا می‌گذارند. چند صفحه آخر مملو از اندوه و تأسف گسترده و فراگیرنده است، اما نویسنده چنان استادانه آنها را مهار می‌کند که هرگز به گرداب احساساتی بودن سقوط نمی‌کند. احساس سقوط دنیاها را نویسنده با مهارت مهندسی می‌کند اما بدبینی را چه بسا که بتوان با اندکی محبت انسانی جبران کرد، هر چند احساس بدبینی چندانی وجود ندارد که قابل طرح باشد. بدین ترتیب محتوا و کارمایه رمان ثریا در اغما به اوجی متعالی می‌رسد و به صورت نمونه اوضاع و احوال همه روشنفکران کشورهای جهان سوم درمی‌آید، روشنفکرانی که در دنیایی تحصیل کرده‌اند که دنیای خود آنان نیست و مجبورند با دنیای دیگری رودررو شوند که به شکل روزافزونی برای آنان بیگانه می‌شود.

اسماعیل فصیح رمانی بس لطیف نوشته است.

## درخواست اشتراك فصلنامه « هستی »

### اشتراك سال ۱۳۷۳

حق اشتراك سالانه : ۱۰۰۰۰ ریال      برای سال ۱۳۷۳ ۱۴۰۰۰ ریال

برای فرهنگیان و دانشجویان : ۶۰۰۰ ریال      «      »      «      »      ۸۰۰۰ ریال  
(با ارسال فتوکپی معرفی نامه یا کارت شناسائی)

حق اشتراك به شماره حساب ۲۲۵۳۲ بانک ملی شعبه دانشگاه

(خیابان انقلاب - تهران) و یا هریک از شعبات بانک ملی در سراسر ایران

به حساب مذکور در فوق به نام محمدعلی اسلامی ندوشن با قید کلمه «هستی» واریز می‌شود.

حق اشتراك خارج از کشور : معادل ۴۰ دلار (برای کشورهای با ارز قوی).

فتوکپی قبض پرداخت با نام و نشانی دقیق به نشانی مجله ارسال شود.

حق اشتراك ارزی به حساب شماره ۲۶۹-۲۰۰-۲ بانک ملی، شعبه دانشگاه تهران واریز می‌شود.

ALL CORRESPONDENCE SHOULD BE ADDRESSED TO THE EDITOR :

P.O. BOX 14155 - 1989 and 11315 - 377 TEHERAN

ANNUAL SUBSCRIPTION RATES ARE \$ 40 FOR FOREIGN COUNTRIES ,

ACCOUNT No. 2 - 200 - 269 BANK - e - MELLI , DANESHGAH -

BRANCH - TEHERAN .